

آن روی سکه
سیاسی

مجلس هفتم؛ مجلس مردم

سیدعلی موسوی

انتخابات مجلس هفتم نه تنها شکست سیاسی دموکراسی سازی را موجب شد، بلکه مهم‌تر از آن بطلان پیش‌فرض‌های اساسی و بنیانی آن را نیز روشن نمود.

جایگاه مجلس

مجلس شورای اسلامی تحقق عینی آیه «وامرهم شوری بینهم» است. اصل شش قانون اساسی اداره کشور را بر مبنای آراء عمومی از راه انتخاباتی از جمله انتخاب نمایندگان مجلس می‌داند و نیز اصل هفت قانون اساسی، مجلس شورا را یکی از شوراهایی دانسته که از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند.

البته بین مجلس شورای اسلامی و پارلمان‌های غربی به استثنای تشابه صوری، از لحاظ محتوی و ضوابط نمایندگانی، نوع ارتباط آنان با یکدیگر و با دستگاه اجرایی و با مردم، شیوه کار، اهداف و عملکرد فاصله بسیار است؛ به همان اندازه که اسلام با تمدن حاکم غرب فاصله دارد. در شیوه عمل مجلس اسلامی، آنچه ملاک است، حفظ منافع عامه مردم و به‌تراستفاده کردن از وقتی است که متعلق به مردم است. شاید رساترین و جامع‌ترین تعبیر در این مورد همان تعبیر مجلس شورای اسلامی باشد که «شورا» را یک امر عبادی و مقدس تلقی می‌کند و اجرای آن را ملزم می‌شمارد و آن را منشأ رشد و زایش اندیشه‌های درست توصیف می‌کند که (ما تشاور قوم الا هدا الی رشدهم!) (۱) و «اضربوا بعض الراى ببعض يتولد منه الصواب» (۲) از این منظر مجلس از استبداد رأی و حالت فرمایشی و ابزار توجیه ستم خودکامان تاریخ بودن خارج می‌گردد و به عنوان یک نهاد فعال و خلاق در خدمت مردم و اسلام قرار می‌گیرد.

در اطلاق صفت «اسلامی» به جای ملی، تمامی محتوای اسلامی در ارتباط با مجلس شورا مورد توجه بوده است. یعنی از یک طرف «شورا» باید برپایه مقررات اسلامی مبنای عمل قرار گیرد، از طرف دیگر، صفت «اسلامی» مجلس را موظف می‌سازد که در تدوین و تصویب قوانین در زمینه نظام داخلی و سیاست و روابط خارجی، اسلام را مبنای عمل خود بداند و از آن تخطی نکند و هر مسأله‌ای را با راه حل و معیار اسلامی مورد مطالعه قرار دهد، و اهدافی از قبیل آنچه منافع ملی و سیاست ملی گفته می‌شود، فقط در محدوده مفاهیم و مقررات اسلامی برای مجلس قابل پذیرش باشد، زیرا مجلس که مظهر اراده مردم است براساس اصل یازده قانون اساسی همه مسلمانان را باید یک «امت» بداند و برای تحقق وحدت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام بکوشد. مجلس با داشتن حق رأی اعتماد به دولت و حق استیضاح هیئت دولت، با خودکامی قوه مجریه نیز جلوگیری می‌کند و با تصویب قوانین انقلابی متناسب با کلیه نیازهای جامعه بر مبنای معیارهای اسلامی و نظارت قاطع بر اجرای آن‌ها که منتهی به شکل گرفتن یک جامعه مبتنی بر قسط و عدم اسلامی می‌شود، می‌تواند ارزش‌های نوی را در جهان آلوده به شرک و ظلم امروز بیافریند. (۳)

مجلس هفتم و چالش‌ها

اکنون توجه مردم به مجلس هفتم معطوف گشته است. به موضوعات زیادی هست که نمایندگان مجلس هفتم می‌توانند فهرست این

موضوعات را برای آنکه هر روز به آن نگاه کنند، زیر میز کار خود بگذرانند:

- آیا راهی برای جلوگیری از فرار مغزها و یا بازگرداندن استعدادهای ایرانی خارج از کشور وجود دارد؟

- آیا برای قطع وابستگی به صدور نفت و پویایی اقتصادی، انتظار زیادی باید کشید؟

- آیا در حالی که توکیو با پانزده میلیون جمعیت هر روز می‌لرزد و همه زنده می‌ماند، ما هم‌چنان برای زلزله در یک شهر صدو بیست‌هزار نفری باید پنجاه هزار قربانی بدهیم؟

- آیا سرانجام، مبارزه با اعتیاد شکلی نهادینه به خود می‌گیرد؟

- آیا جمله زیبای «تهران یک پارکینگ متحرک است و به زودی به یک پارکینگ ثابت تبدیل می‌شود» محقق می‌شود؟

- آیا گرانی باقی می‌ماند؟ آیا تورم افزایش می‌یابد؟ آیا اعضای خانواده‌ای باید همگی خورده داشته باشد و از بنزین یارانه‌ای استفاده کنند و اعضای خانواده دیگری باید همگی در اتوبوس شرکت واحد در ترافیک خیابان‌ها فقط دود بنزین بخورند؟!

نمایندگان مجلس هفتم اگر خودشان اطلاع چندانی ندارند، از مردم بپرسند تا این پرسش‌ها را برایشان در فهرست طولانی تنظیم کنند. این نمایندگان برای خدمت کردن رأی گرفته‌اند و حتماً به چنین فهرست‌هایی نیاز ضروری دارند. (۴) مردم دوست دارند مسئولان سیاست‌گذار، چالش بسیار مهم در پیش رویشان یعنی «ایجاد اشتغال» را در اولویت اول قرار دهند؛ زمانی که آمارهای موجود گویای جوان بودن جمعیت کشور است و به گفته جامعه‌شناسان و نخبگان جامعه، در دهه اخیر، بزرگ‌ترین چالش و بديده اجتماعی، در جمهوری اسلامی وجود بی‌کاری خواهد بود. مستلزم تصویب قوانین خاص می‌باشد که مجلس باید شالوده حرکت در راستای چشم‌انداز را به گونه‌ای ترسیم نماید که بتوان به راحتی به آن قله صعود کرد. (۵)

مجلس هفتم و گروه‌های سیاسی

توسعه سیاسی، دموکراسی و جمهوریت از واژه‌های پرکاربرد به حساب می‌آید؛ اما بحث دموکراسی سازی غربی یک مقوله شکست خورده در جامعه ایران محسوب می‌گردد. تا زمانی که یک معارضه کما بیش قوی در صحنه جهانی رویاروی آمریکا وجود داشت، اجرای سیاست دموکراسی سازی ناممکن بود. نکته مهم و عمده در درک این مسئله توجه به این حقیقت است که موج سوم دموکراسی یا سیاست دموکراسی سازی به هیچ وجه علاقه‌ای به دموکراسی واقعی ندارد. آنچه در این سیاست - که به واقع بازی‌ای خطرناک و مزورانه بیش نیست - مطلوبیت نهایی و ذاتی دارد، شکل‌دهی به حکومت‌هایی است که منافع غرب را تأمین کنند. مطلوبیت بازی دموکراسی غربی از آنجاست که پوششی مشروع برای رسیدن به این نتیجه نهایی را فراهم می‌آورد. اگر دموکراسی واقعی مدنظر بود، جایی برای ترس از نقش سایر بازیگران خارجی وجود

نداشت؛ اما چون دموکراسی سازی روند هدایت‌شده و با برنامه‌ای برای به قدرت‌رساندن نیروهای مورد توجه غرب است؛ وجود چنین بازیگرانی مانع از انجام موفق آن می‌شود. هیچ‌کس به ویژه آن‌هایی که به این قمار بزرگ دست زدند، نباید این را فراموش کنند که مداخلات و تلاش آمریکایی‌ها و غرب برای اینکه در کنار بعضی نیروهای درگیر در صحنه سیاست ایران قرار گرفته و حامی آن‌ها باشند، سهم مهمی در ثمره تلخی که در حال چیدن آن هستند، داشته است. از این حیث انتخابات مجلس هفتم، تنها بطلان فروض اجتماعی سیاست دموکراسی سازی را در ایران نشان نداده، بلکه وضعیتی عکس و در تضاد با آن را منعکس نموده است و مشخص می‌کند که مردم ایران هم‌چنان در چارچوب گفتمان غرب ستیزی، رابطه خود با غربی‌ها را تفسیر و معنا می‌کنند. (۶)

باید گفت صف‌بندی‌های موجود جناحی تقریباً پس از سال هزارو سی صد و هفتاد و دو اولین ضربات را دریافت کرد و این ضربات باعث شد گروه‌های حاشیه‌ای خاصی به متن آیند و گروه‌هایی که در متن بودند، به حاشیه رانده شوند.

البته دوم خرداد هفتاد و شش این دگرگونی‌ها را تثبیت کرد و تعمیق بخشید. گمان می‌رود انتخابات مجلس هفتم ضربه‌ای سنگین به آخرین تصورات و ساختارهای باقی مانده از جناح بندی مدل دهه شصت وارد نماید؛ آن‌چنان که معلوم نیست پس از آن، صف‌بندی‌ها از کدامین الگوی جدید پیروی کنند؟

علاوه بر تغییرات در شکاف‌های سیاسی و جناحی کلان موجود، گمان می‌رود پس از اول اسفند زمان تعیین تکلیف جناح‌ها با جریان‌ات درونی خود نیز فرا رسد. (۷)

مجلس هفتم و مطالبات مردم

در مجلس هفتم انتظار این است که جریان تمرین ساده‌زیستی در بین مسئولان جا بیفتد. بین شیفتگان خدمت و تشنگان قدرت تفاوت به وجود آید و میان مسئولان قدرت‌طلب و ثروت اندوز با خادم مردم تمایز داده شود.

منتخبان دوره هفتم مجلس شورای اسلامی، باید اصلاحات را به مواردی از جمله تلاش برای توسعه همه جانبه و بالا بردن تولید ملی کشور و تعادل بیشتر در توزیع درآمدها، مبارزه با مفاسد اجتماعی، فقر، قانون شکنی و تبعیض تعریف کنند. در این صورت، طیف وسیعی از اصلاح‌طلبان خصوصاً بخش‌های اصولگرا و ارزشی آن با این تعریف موافق خواهند بود. درباره تعامل دو جناح سیاسی، باید به آینده کشور اندیشید و کلماتی از قبیل انتقام‌جویی و غیره را از ذهن دور ساخت. بی‌نوشت‌ها در دفتر مجله موجود می‌باشد.

